

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۸۵ - ۷۳

خدیجه (س) پیشتاز در اسلام و پشتوانه برای حضرت رسول (ص)

سیدجواد جلیلی شانی^۱

چکیده

ام‌المومنین بانوی قریش علیها السلام از بانوان فرهیخته و تأثیرگذار در تاریخ اسلام است. با ورود در تجارت بر اقتصاد ربوی جاهلیت خط بطلان کشید، و در عصر آلودگیها که فرزندان را به پدران ناشناخته می‌شناختند و زنانی به ذوات الأعلام شهره بودند؛ به طاهره اشتها یافت. کمالات ارزشمندش از وی شخصیتی ممتاز ساخت که مورد عنایت خاص حضرت رسول صلی الله علیه و آله و مایه آرامش خاطرش بوده است. امتیازاتی که آتش حقد و حسادت دیگر بانوان و بدخواهان را مشتعل می‌ساخت.

بسیاری از اخبار و افسانه‌ها در خصوص خدیجه علیها السلام نشأت گرفته از جهالت و متأثر از اغراضی است که بدان پرداخته شد. در دو محور، پیشتازی و پشتوانه بودن وی به اختصار تبیین می‌گردد و به مواردی از بی مهریها پاسخ می‌دهد. او بعثت حضرت را از قبل انتظار می‌کشید. بنابراین تصدیق و باور وی از قبل بعثت بوده است. نخستین بانویی است که نور نبوت را مشاهده نموده و به حضرت ایمان آورد. او بانویی است فرهیخته که همه اعتبار و ثروت خود را در راه اهداف پیامبرش هزینه نمود. دوشیزه‌ای که به سران و امرای قوم و قبیله پاسخ منفی می‌دهد. و در نخستین ازدواج خود، به عقد حضرت در می‌آید. پیشتاز بود و پشتوانه، منش وی در هر دو محور و دیگر وجوه شخصیتی می‌تواند تاریخ‌ساز و الهام بخش باشد. به تعبیر قرآن کریم اسوه‌ای باشد برای همه مردم عالم. (نک: التحريم/ ۱۱-۱۲)

واژگان کلیدی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ام‌المومنین خدیجه علیها السلام، بانوی قریش، پیشتاز، پشتوانه.

۱. گروه معارف اسلامی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

Email: jalilishani_seyedjavad@iau.ec.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۱۷

طرح مسأله

حضرت خدیجه علیها السلام از بانوان با فضیلت، فرهیخته و تأثیرگذار در تاریخ اسلام است. وی نخستین همسر و تنها همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا پایان حیات خود بوده است. نسبش با چند واسطه به «قصی» می‌رسد که جد چهارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد. بنابراین با چند واسطه عموزاده حضرت بوده است. اصالت خاندان وی بر کسی پوشیده نیست؛ اما شرافتش نه به جهت نسب؛ بلکه بواسطه شخصیت ممتاز و اراده والای او بوده که به کمال رسیده است. او سرآمد بانوان عصر بود. منزلت محل رفت و آمد فرهیختگان و مأوی برای نیازمندان بوده است. با ورود در تجارت با اقتصاد ربوی در عصر جاهلیت به مقابله برخاست و بر آن خط بطلان کشید. روزگاری که فرزندان را به پدران ناشناخته می‌شناختند، و مادرانی به ذوات الأعلام شهرت داشتند؛ دامن وی از آلودگیها مصون و به جهت قداست و پاکی به طاهره اشتهار یافت. (ابن عساکر، ۳/ ۱۳۱) او را بانوی عاقل، بانوی قریش، الکبری و الغراء نام نهاده بودند. (ذهبی، ۲/ ۱۵۲) و برخی وی را صدیقه می‌شناختند. (ابن کثیر، ۲/ ۷۴) او را سیده قریش می‌خواندند که تمامی خویشاوندانش تمایل شدیدی به ازدواج با وی داشتند. (ابن هشام، ۱/ ۲۰۱؛ سعدبن منیع، ۱/ ۱۳۱)

تصدیق و ایمان وی به عنوان نخستین بانوی مسلمان، مومن و پشتوانه‌ای محکم در حمایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسلمات تاریخی و روایی است. در منابع متعددی از امامیه و عامه بدان تصریح شده است. پذیرشی از سر صدق، با فطرتی پاک، هوشمندانه و آگاهانه، توأم با منشی کریمانه که می‌تواند تاریخ‌ساز و الهام‌بخش باشد. مرتبت و شأنی والا یافت تا بدانجا که مخاطب سلام جبرئیل علیه السلام و خداوند متعال شد. (نک: عسکری، نقش عایشه در احادیث اسلام، ۴/ ۶۸ به نقل از منابع روایی)

متأسفانه مطالبی با هدف کاستن شأن و کمرنگ نمودن شخصیت والای آن حضرت در تاریخ وارد شده است. این نگرش بیانگر احقاد و متأثر از غرض‌ورزیهایی است که اعتبار تاریخ را مخدوش و بر اعتماد مخاطبان آن می‌کاهد. در این نگارش اشارتی بدان خواهد شد. ابعاد شخصیتی خدیجه علیها السلام گستره وسیعی دارد که طرح آن در این مختصر نمی‌گنجد.

پژوهش حاضر صرفاً به دو بخش از وجوه شخصیت و امتیازات ویژه آن بزرگوار؛ یعنی پیشتازی در اسلام و پشتوانه بودن برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌پردازد.

۱- پیشتازی در اسلام

از امتیازات ویژه بانوی بانوان قریش، پیشتازی وی در گرایش به حقیقت، گزینش اسلام و پذیرش ایمان است. در ذیل پس از طرح منابع فریقین در این موضوع، بخشی از مطالب که

نشأت گرفته از جهالت و اهمال، یا متأثر از غرض‌ورزی و عناد است؛ به اختصار بیان می‌گردد. مطالبی فاقد اعتبار که حضرت را در امر بعثت مضطرب و پریشان معرفی می‌نماید. در آن مسأله وقوف و آگاهی ندارد، و حضرت خدیجه علیها السلام ناگزیر می‌گردد برای روشنی و تفهیم موضوع به ورقه بن نوفل مراجعه نماید. به طور قطع هدف در طرح آن کاستن شأن و کمرنگ نمودن نقش آن دو بزرگوار و اعتباربخشی برای دیگرانی بوده است.

۱-۱- پیشتازی از منظر مکتب امامیه

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای - که قاصعه نامیده می‌شود - در این خصوص می‌فرماید: «... هر سال در [غار] حراء زمانی چند خلوت می‌گزید، من او را می‌دیدم و غیر از من کسی نمی‌دید. روزگاری جز خانه‌ای که فرستاده خدا تبارک و تعالی و خدیجه در آن می‌زیستند اسلام به خانه دیگر وارد نشده بود و من سومی آنان بودم روشنایی وحی و رسالت را به چشم می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌کردم.» (سیدرضی / ۲۳۴) هنگامی که شریفه «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ...» (طه / ۱۳۲) نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور گردید اهل خود را به نماز امر نماید. سوره طه - که از عتائق سور قرآنی است - در مکه نازل شده است.

بنابراین در زمان نزول شریفه، خدیجه علیها السلام تنها همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

المیزان در شرح شریفه مذکور آورده است: «بنابراین پس جمله (اهلک) بر حسب انطباقش با هنگام نزول خدیجه همسر آنجناب و علی علیه السلام هستند چون علی علیه السلام هم اهل آنجناب و در خانه آنجناب بود. (طباطبایی، ۱۴ / ۳۶۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از آن بود که حضرت علی و حضرت خدیجه علیهما السلام را به حضور طلبید، فرمود: «جبرئیل، نزد من است و به شما می‌گوید: اسلام، مقرون به شروط و عهدهایی است، از اعمالی که لازم است انجام دهید، وضو گرفتن است؛ یعنی شستن صورت و دست‌ها ... ای خدیجه! شروطی که خداوند برای پذیرش اسلام مقرر نموده را شنیدی؟ عرض کرد: نعم! آمنت و صدقت و رضیت و سلمت؛ آری! ایمان آوردم، گواهی می‌دهم و تصدیق می‌کنم، رضایت دارم و تسلیم هستم.» (مجلسی، ۱۸ / ۲۳۲)

از قول عقیف کنندی نقل شده است که در عصر جاهلیت جهت خرید به مکه آمدم. کنار عباس بن عبدالمطلب نشستم. نگاهم به کعبه افتاد، دیدم جوانی روبه کعبه ایستاد، نوجوانی سمت راست او قرار گرفت. اندکی بعد بانویی آمد و پشت سرشان ایستاد. به رکوع رفتند و سپس به سجده ... متعجب شدم ... عباس آن سه را به من معرفی نمود. فرمود آن جوان محمدبن عبدالله بن عبدالمطلب برادرزاده من است! آن نوجوان علی بن ابیطالب بن عبدالمطلب برادرزاده دیگر من است. و آن بانو حضرت خدیجه دختر خویلد و همسر برادرزاده من است. به خدا سوگند که بر

روی همه زمین کسی جز این سه تن را مومن بر این آیین نمی‌دانم. (ولا والله ما علمت علی ظهر الأرض کلها علی هذا الدین غیر هؤلاء الثلاثة. قال عقیف: فتمنیت بعد أنى كنت رابعهم عقیف که بعدها. مسلمان و مصاحب رسول الله ﷺ شد، می‌گوید در آن لحظه آرزو نمودم، ای کاش من چهارمین آنان بودم!) (نک: ابن شهر آشوب (ابوجعفر)، ۱/ ۳۰۰؛ و نیز نک: امینی، ۳/ صص ۳۳۸، ۳۲۲، ۳۲۰)

۱-۲- پیشتازی در مکتب عامه

ابن ابی الحدید در شرح عبارتی از خطبه ۲۳۸ (قاصعه) (و خدیجه و انا ثالثهما آری نور الوحی و الرساله و أشمّ ریح النبوه) در بحث مفصلی به صراحت از این پیشتازی سخن می‌گوید. می‌نویسد این عبارت بیانگر آن است که در آن زمان تنها پیامبر اکرم، علی و خدیجه علیهم السلام بر دین اسلام بودند.

در جایی دیگر روایتی (که در قبل در بخش امامیه نقل شده) را به نقل از ابوطالب ﷺ دیگر عمومی حضرت نقل می‌نماید. خدیجه و علی علیهما السلام را نخستین نمازگزار همراه با پیامبر اکرم ﷺ معرفی می‌کند.

در ادامه به نقل از منابع تاریخی خدیجه ﷺ را به عنوان نخستین بانوی مسلمان و نمازگزار معرفی می‌نماید. (ابن ابی الحدید، ۱۳/ صص ۲۲۶، ۲۰۹، ۱۹۷)

ابورافع می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ روز دوشنبه نماز خواند و خدیجه ﷺ در آخر همان روز نماز بجای آورد. (جونبی، ۱/ ۲۴۳) ابن حجر عسقلانی اول زن مسلمان را خدیجه ﷺ دانسته است. (ابن حجر عسقلانی، ۸/ ۱۰۲)

ربیع می‌گوید: حذیفه بن یمان در مسجد پیامبر ﷺ به نقل از پیامبر اکرم ﷺ گفت:

خدیجه ﷺ دختر خویلد نخستین زن عالم است که به خداوند متعال و حضرت رسول ﷺ ایمان آورده است. (حاکم نیشابوری، ۳/ ۱۸۴)

برخی از منابع اهل سنت خدیجه ﷺ را نخستین بانوی مسلمان ذکر نموده‌اند. و برخی هم گفته‌اند که وی در پذیرش اسلام گوی سبقت را از همه مردان و زنان ربوده است. بنابراین او را اولین مسلمان و مومن به رسول الله ﷺ دانسته‌اند.

ابن اثیر می‌نویسد: خدیجه ﷺ دختر خویلد بن اسد ... نخستین زنی بود که پیامبر اکرم ﷺ با او ازدواج نمود و به اجماع مسلمانان اولین کسی بود که به حضرت اسلام آورد. و در این امر هیچ مرد و زنی بر وی سبقت نگرفت. (نک: ابن اثیر، ۶/ ۷۸)

۲- پشتوانه برای حضرت رسول ﷺ

لزوماً هر پیشتازی نمی‌تواند پشتوانه هم باشد. برخی از صحابه در امر پذیرش اسلام نسبت به دیگران پیشتاز بودند؛ لکن برای دین و پیامبر اکرم ﷺ پشتوانه محسوب نشدند و مایه آرامش خاطر و دلگرمی آن بزرگوار نبودند.

شخصیت خاص خدیجه ﷺ وی را در پذیرش اسلام و ایمان نیز ممتاز نموده است. او بانوی بانوان قریش و سرآمد روزگار خود بود. بانویی متمول و فرهیخته، هوشمند و با اصالت، که بسیاری از بستگان و امرای قوم همسری با وی را آرزو می‌داشتند. طاهره‌ای که دامنش از آلودگیهای جاهلیت مصون و مطهر بود. تاجری که خط بطلان بر اقتصاد ربوی عصر خود کشید. او از اعماق وجودش حضرت رسول ﷺ را باور داشت؛ لذا همه عرض و اعتبار و اموالش را در این مهم در طبق اخلاص نهاد.^۱ او در جاهلیت موحدانه زیست؛ بنابراین اظهاراسلام و پذیرش ایمانش با فطرتی پاک، هوشمندانه و آگاهانه بوده است. ام‌المومنین همه وجودش را در شکل‌گیری اهداف نهضت پیامبرش و رشد و اعتلای اسلام هزینه و ایثار نمود. و توانست همسری فداکار، بی‌نظیر و مشاوره‌ی فرهیخته برای حضرت رسول ﷺ و مایه دلگرمی و آرامش خاطرش گردد.

بانوی قریش در واقع موهبتی الهی برای حضرت رسول ﷺ و برای اسلام بود. صاحب مجمع همچون بسیاری دیگر از مفسران حمایت وی را ذیل شریفه «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» (الضحی / ۸) این‌گونه آورده است: «وَوَجَدَكَ عَائِلًا أی فقیراً لامال لک «فأغنی» أی فأغناک بمال خدیجه» (طبرسی، ۱۰ / ۳۸۴)

صاحب‌المیزان گفته است: «و خدایتعالی او را بعد از ازدواج با خدیجه دختر خویلد ﷺ بی‌نیاز کرد، و خدیجه تمامی اموالش را با همه کثرت که داشت بآنجانب بخشید.» (طباطبایی، ۲۰ / ۷۲۱)

تصدیق و همراهی در آن شرایط دشوار که بزرگان قریش و بستگان نزدیک، دعوت وی را انکار و حضرتش را مجنون می‌خواندند؛ عملی است شجاعانه، هوشمندانه، و نوعی ایثارگری تلقی می‌گردد.

پیامبر اکرم ﷺ در کلام خود، این تصدیق و همراهی را این‌گونه توصیف و اعتبار می‌بخشد: «ما أبدلنی الله خیراً منها لقد أمنت بی حین کفر الناس و صدقتنی حین کذبنی الناس...» خداوند متعال هیچ گاه بهتر از خدیجه ﷺ به من نداده است. زمانی به من ایمان آورد که همه مردم کفر ورزیدند. زمانی مرا تصدیق نمود که همه مردم مرا تکذیب نمودند و دروغگو خواندند.

۱. نک: حدیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌نعم‌الصالح‌للرجل‌الصالح (فروزانفر، ۴۹)

مرا شریک در اموالش در جهت اهدافم نمود. (نک: ابن اثیر، ۶ / ۸۵)

شرف‌الدین در المراجعات با استناد به نقل مذکور و چند نقل دیگر، نتیجه می‌گیرد که افضل زنان پیامبر اکرم ﷺ حضرت خدیجه، صدیقه این امت بوده است. (شرف‌الدین، ۳۸۰-۳۷۷)

و در نقلی دیگر از حضرت ﷺ آمده است: «خدیجه و این مثل خدیجه صدقتی حین کذبنی الناس و ارزنتی علی دین الله و اعانتنی علیه بمالها» (مجلسی، ۱۸ / ۲۳۳)

کجا مانند خدیجه ﷺ پیدا می‌شود؟! ...

ابن حجر، تصدیق قبل از بعثت و تکریم همیشگی پیامبر اکرم ﷺ را از امتیازات بانوی قریش می‌داند:

«و من مزایا خدیجه آنها مازالت تعظم النبی و تصدق حدیثه قبل البعثه و بعدها» (ابن حجر عسقلانی، ۸ / ۱۰۲)

ابن شهر آشوب نیز معتقد است خدیجه ﷺ به محض بازگشت پیامبر اکرم ﷺ از غارحرا، حضرت را تصدیق نمود. وی این مسأله را از امتیازات بانوی قریش می‌داند:

«.. ثم جاء حتى دخل الدار فصارت الدار منوره، فقالت خدیجه یا محمد و ماهو النور؟ قال: هذا نور النبوة...» (ابن شهر آشوب، ۱ / ۴۳)

براساس این نقل، پیامبر اکرم ﷺ در امر بعثت خود واقف است و تردیدی در آن ندارد. و خدیجه ﷺ نیز بدان یقین دارد و تصدیق می‌نماید. بدین صورت که حضرت از غار حرا به منزل می‌آید. بانوی قریش نوری را مشاهده می‌کند که سراسر وجود حضرت رسول ﷺ را در برگرفته است. عرض می‌کند یا محمد! این نور چیست؟ فرمود: نور نبوت است. آنگاه خدیجه ﷺ وی را تصدیق می‌کند و به او ایمان می‌آورد. (در رد برخی از نقل‌ها و افسانه‌ها که متأثر از جهت‌گیریها و اغراضی است) پیامبر اکرم ﷺ از صمیم قلب و با همه وجودش خدیجه ﷺ را دوست می‌داشت. کوچکترین اهانتی را از ناحیه دیگر همسرانش در این امر بر نمی‌تابید. تیجانی سماوی به نقل از بخاری آورده است:

روزی پیامبر اکرم ﷺ بعد از وفات خدیجه ﷺ ذکر خیری از وی نمود. یکی از همسرانش اعتراض نمود، خود را در مقایسه برتر دانست و بانوی قریش را پیرزنی فرتوت خواند. حضرت به شدت عصبانی شد آن گونه که موهای سرش ایستاد. (تیجانی سماوی، ۱۳۷)

کتاب نقش عایشه در تاریخ اسلام، علاقه و عنایت پیامبر اکرم ﷺ را در حیات خدیجه ﷺ و نیز بعد از وفاتش این گونه توصیف می‌نماید: عموم فرزندان رسول خدا بجز ابراهیم، از خدیجه بدنیا آمدند، و تا او حیات داشت رسول خدا همسر دیگری اختیار نکرد، و تا پایان عمر نیز از یاد خدیجه این نخستین بانوی صدراسلام غافل نبوده، با صدقه‌هایی که بیاد او می‌داد، خاطرات و فداکاریهای او را همیشه گرامی می‌داشت. (عسکری، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ۱ / ۵۵)

وی در ادامه به نقل از صحیح بخاری می‌گوید:

«رسول خدا همیشه از خدیجه نخستین همسر خود به نیکی یاد می‌کرد، و با تجدید خاطرات و یادگارهای او، با احسان و نیکوئی‌هایی که درباره خویشان و دوستان او می‌کرد و آن‌ها را بر دیگران مقدم می‌داشت، خاطره‌اش را در خود زنده نگاه می‌داشت.» (همان / ۹۳)

علاقه حضرت به خدیجه علیها السلام و ذکر خاطرات و فداکاریهای او بعد از وفاتش، عاملی برای برافروختن آتش حقد و حسادت یکی از همسران حضرت می‌شد؛ آنجا که خود می‌گوید: «هیچیک از زنان پیغمبر خدا چون خدیجه مورد رشک و حسادتم قرار نگرفته است. علت این بود که رسول خدا از خدیجه بسیار یاد می‌کرد و زبان به مدح و تعریفش می‌گشود، خاصه این که خداوند از طریق وحی به پیامبرش خبر داده بود که خدیجه را کاخی بس مجلل و پرشکوه در بهشت ارزانی داشته ... چه بسا که آن حضرت گوسفندی را به نام خدیجه قربانی می‌کرد و آن را پاره پاره می‌کرد و به نام او قسمت می‌کرد.» (همان / ۹۲)

با عنایت به اسناد تاریخی و روایی فریقین (امامیه و عامه) ام‌المومنین خدیجه کبری علیها السلام واجد امتیازاتی خاص بود که دیگر همسران حضرت یا فاقد آن بوده و یا بهره‌ای اندک از آن را دارا بودند. بدان ویژگی‌هاست که وی از همسران دیگر ممتاز و مقدم شده است. حمایت همه جانبه شیخ و بانوی قریش (حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه علیهما السلام) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جهت پیشبرد اهداف مقدسش بر کسی پوشیده نیست. بنابراین طبیعی است که بر برخی گران آید و آتش حقد و حسد زبانه کشد. و مقدمات ایجاد تحرکاتی گردد.

این نگارش به برخی از آن تلاشها و بی‌مهریها که متأثر از جهالت و یا اغراضی است اشاره می‌کند. بر آن بودند که در قالب برخی از نقل‌ها و اسناد از جایگاه و شأن والای ام‌المومنین خدیجه علیها السلام کاسته گردد. در قبل اشاره گردید که شأن والا و جایگاه ممتاز بانوی قریش و نیز عنایت خاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وی موجب بروز برخی از حسادتها شد.

پرداختن به موارد مذکور، به نوعی می‌تواند به عنوان نتایج پژوهش حاضر باشد که در ذیل مطرح و به قدر ضرورت تشریح و تبیین می‌گردد.

اول- نقش آفرینی ورقه بن نوفل در آغاز بعثت!

حضرت از حرا بر می‌گردد، مضطرب و نگران است. در خصوص آنچه که اتفاق افتاده واقف نیست. برای بانوی قریش بیان می‌کند. خدیجه علیها السلام وی را تسلی می‌دهد و آرام می‌کند. وی را نزد ورقه از خویشانش می‌برد. از آنچه اتفاق افتاد برای ورقه بازگو می‌شود. ورقه حضرت را بر بعثتش بشارت می‌دهد و آرزو می‌کند تا زنده ماند و وی را در مسیر رسالت یاری نماید!!

الف: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر کرامت خداوند به وی شادمان و مسرور نزد خانواده‌اش بازگشت

و به مسأله خطیری که به عهده‌اش سپرده شده بود اطمینان داشت ... خانواده او نیز در خوشحالی او شریک گشتند و اسلام آوردند. (مرتضی عاملی، ۳/ ۵۵۹)

ب: میزان بصیرت یافتن پیامبر اکرم ﷺ را با هدایت ورقه مردود می‌داند. و آن را عامل ایجاد خدشه در ایمان مردم - نسبت به آن رسول نیز - می‌داند. وی با اشاره به روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌گوید:

«بلکه حق اینستکه نبوت و رسالت ملازم با یقین و ایمان صد در صد شخص پیامبر و رسول است، او قبل از هر کس دیگر یقین به نبوت خود از جانب خدایتعالی دارد، و باید هم چنین باشد.» (طباطبایی، ۲۰/ ۷۶۰)

ج: معاندان همواره سعی نمودند با اسناد جعلی ابوطالب^۱ را کافر بنامند، امیرالمومنین^۲ را هم در آغاز بعثت کودک بیندارند و ایمانش را مخدوش بدانند. ام‌المومنین عایشه هم که در آن زمان همسر حضرت نبود، و در خانه وحی اقامت نداشت. بنابراین به ضرورت باید بانوی قریش ام‌المومنین خدیجه^۳ نقش آفرینی نماید. اما بدین صورت که حضرت را مضطرب و پریشان بخوانند که نسبت به امر عظیم بعثت واقف نیست و نیز بانوی قریش که ناآگاه است ... و حضرت را به سوی ورقه، عداس و آن دیگری هدایت نماید! و یا این که بانوی قریش آگاه است و تلاش می‌نماید تا حضرت را از اضطراب و پریشانی برهاند!

د: آل زبیر با بنی امیه در تقابل و رقابت بودند. و با بنی هاشم عناد و دشمنی داشتند. عمده راویان داستان ورقه زبیریان و منسوبان به آن هستند. عروه بن زبیر که در استخدام معاویه برای جعل حدیث در مذمت امام علی^۴ بود. اسماعیل بن حکیم که از موالی خاندان زبیر است، وهب بین کیسان و عایشه ام‌المومنین (خاله عبدالله بن زبیر) و نیز خدیجه^۳ دختر خویلد بن اسد و ورقه بن نوفل بن اسد و زبیر پسر عوام بن خویلد بن اسد و به طور کلی همه زبیری‌ها باید نقش تعیین‌کننده‌ای در آغاز حرکت اسلام داشته باشند.

بنابراین با این افتخارات زبیریان، امویان نمی‌توانند با خلافت عثمان به آنان فخر بفروشند. و هاشمیان هم نمی‌توانند به مواضع ابوطالب و فرزندش علی علیهماالسلام افتخار ورزند. در نهایت، با عنایت به تمامی اسناد و اقوال درخصوص آغاز بعثت، می‌توان نتیجه گرفت که امویان ازین قصه‌های دروغ بهره می‌بردند و با ارزش‌ترین اهدافشان را محقق می‌ساختند، همان‌گونه که زبیریان از آن بهره می‌بردند. (مرتضی عاملی، ۳/ ۵۶۵-۵۶۴ با تلخیص و تصرف)

ه: عواملی سبب می‌گردد نسبت به روایات صادرشده از ام‌المومنین عایشه تأمل بیشتری

۱. برخی با استناد به شریفه ۵۶ القصص و نقل روایاتی برآنند که حضرت ابوطالب علیه السلام علی رغم اصرار و اشتیاق پیامبر اکرم(ص) در حالت کفر از دنیا رفته است! حال آن که مستندات تاریخی و روایات اهل بیت(ع) بر ایمان و پذیرش اسلام وی صراحت دارد. از آن جمله می‌توان به اشعار خود آن حضرت استناد نمود.

صورت گیرد:

کثرت روایات صادره از وی، نقل داستان ورقه توسط او درحالی که در آن زمان همسر پیامبر اکرم ﷺ نبوده و در خانه وحی اقامت نداشت، جهت‌گیری در نقل احادیث با عنایت به اعتراف خود مبنی بر حسادت نسبت به دیگر همسران؛ خاصه ام‌المومنین خدیجه ﷺ، روایت درخصوص آغاز وحی و داستان ورقه که با مسامحه می‌توان گفت مرسل بوده و یا خبر واحد. و: معرفت در کتاب تاریخ قرآن داستان ورقه را یکی از دهها داستان ساخته شده کینه‌توزان دو قرن اول اسلام می‌داند. (معرفت، ۱۸ / ۱)

ز: با تأمل در منابع روایی و تاریخی مشاهده می‌گردد که ام‌المومنین عایشه در جهت تثبیت حکومت ابوبکر و تأیید شخصیت وی روایاتی را نقل می‌نمود. ابن کثیر می‌گوید: «برخی از اهل سنت درباره عایشه غلو می‌کنند و او را به این که دختر ابوبکر است، بر خدیجه برتری می‌دهند.» (ابن کثیر، ۳ / ۱۲۹)

بنابراین، نظر صائب همان قولی است که حضرت را در آغاز بعثت بیدار و نسبت به آن واقف می‌داند. امیرالمومنین ﷺ بوی نبوت را در حرا استشمام می‌نماید. و بانوی قریش خدیجه ﷺ نیز بعد از بازگشت حضرت به منزل، نور نبوت را در وجودش مشاهده و در همان لحظه وی را تصدیق می‌نماید.

دوم - یگانه پرستی در قبل و بعد بعثت

از ویژگیها و امتیازات بانوی قریش تصدیق حضرت در قبل از بعثت و بعد از آن می‌باشد. صمنی خواندن و وثنی دانستن وی حتی در قبل از بعثت زینده شخصیت او نیست. در قرآن کریم آمده است: «اهل کتاب، پیامبر اسلام را [براساس اوصافش که در تورات و انجیل خوانده‌اند] می‌شناسند، به گونه‌ای که پسران خود را می‌شناسند. (البقره / ۱۴۶؛ الانعام / ۲۰) خدیجه ﷺ به جهت شأن والا و فرهیختگی، به طور قطع بدان مسأله واقف و در انتظار بعثت و ظهور حضرت بسر می‌برد.

ابن حجر عسقلانی می‌نویسد: «و من مزایا خدیجه آنها، مازالت تعظم النبی و تصدق حدیثه قبل البعثه و بعدها» (ابن حجر عسقلانی، ۸ / ۱۰۲)

سوم - سن بانوی قریش هنگام ازدواج

در خصوص سن وی هنگام ازدواج اختلاف زیادی وجود دارد. از بیست و پنج تا چهل و شش سال گفته‌اند. بیهقی و ابن کثیر بیست و پنج گفته‌اند. (بیهقی، ۲ / ۷۱؛ ابن کثیر، ۲ / ۳۵۹) قول مشهور بر بیست و هشت و چهل سالگی تأکید دارد. کتاب الصحیح بیش از ده مورد از منابع روایی و تاریخی فریقین را نقل نموده که بیست و هشت سالگی را قول ارجح دانسته‌اند.

(نک: مرتضی عاملی، ۲/ ۴۱۷)

و برخی منابع بر چهل سالگی نظر دارند. (همان) برخی هم هر دو نقل را بیان داشته‌اند؛ ولی نسبت به قول چهل سالگی تردید نموده‌اند. (نک: بلاذری، قسمت حیات النبی/ ۹۸) با عنایت به اتفاق منابع بر بیست و پنج سالگی پیامبر اکرم ﷺ هنگام ازدواج و این نکته که عموم فرزندان حضرت غیر از حضرت ابراهیم از بانوی قریش می‌باشد؛ چهل سالگی وی هنگام ازدواج نمی‌تواند قابل پذیرش باشد.

در نقل چهل سالگی اتفاقی نیست و به طور قاطع بر آن تمرکزی وجود ندارد. روزی در حضور پیامبر اکرم ﷺ ام‌المومنین عایشه، ام‌المومنین خدیجه ﷺ را عجزه می‌خواند، حضرت برآشفته می‌شود (روایتش در قبل گذشت) و ضمن برشمردن امتیازات بانوی قریش، از ولادت فرزندان خود توسط خدیجه ﷺ سخن می‌گوید. ضمن آنکه عجزه خواندن وی، اتهامی است که بعد از رحلتش از ناحیه یکی از همسران حضرت صورت گرفت. بنابراین در هنگام ازدواج جوان بوده است. با عنایت به اعتراف وی مبنی بر حسادت نسبت به بانوی قریش (در قبل گذشت)، عجزه خواندن نیز باید در جهت تخریب شخصیت و تحقیر شأن والای خدیجه ﷺ و منسوبان وی صورت گرفته باشد.

به نظر نگارنده، قید سن چهل برای دختر تعیین کننده سن و سال وی نبوده و سن پختگی و کمال بوده است. بنابراین دختر بیست و چند ساله که از نظر جسم، روان و دیگر شرایط در موقعیت ازدواج باشد، چهل ساله خوانده می‌شود. به طور قطع، با عنایت به موارد و منابع مذکور، سن بانوی قریش هنگام ازدواج کمتر از سی سال بوده است؛ همان گونه که بسیاری از منابع روایی و تاریخی فریقین بر بیست و هشت ساله بودن وی تمرکز دارد.

چهارم - دوشیزه بودن بانوی قریش

دیگر از مظلومیت‌ها و جفاهایی که بر بانوی قریش رفته، آن است که گفته می‌شود وی قبل از ازدواج با پیامبر اکرم ﷺ با ابوهاله و عتیق ازدواج نموده و حضرت همسر سوم او بوده است. (نک: طبری، ۲/ ۴۱۱)

در خصوص مشخصات هویتی و شخصیتی آن دو، اتفاق نظری در تاریخ و روایات وجود ندارد. همان طوری که در قبل گذشت، خدیجه ﷺ نه صمنی بود و نه وثنی، او موحدانه زیست. با عنایت به اخبار اهل کتاب در انتظار ظهور پیامبر نشسته بود. (نک: البقره/ ۱۴۶؛ الانعام/ ۲۰) با توجه به کمالات ارزشمند و شأن والای بانوی قریش، اشراف، بزرگان و طایفه داران همگی به ازدواج با وی تمایل داشتند. (نک: ابن اسحاق، ۲/ ۶۰) او از ازدواج با آنان امتناع ورزید و آنان را در شأن همسری خود نمی‌دید.

حال، چگونه باید باور داشت که با دو تن از افراد گمنام تیمی و مخزومی ازدواج کرده باشد؟! هنگامی که با حضرت ازدواج نمود، زنان قریش بر وی غضب نمودند و از خود رانند. گفتند: سران و امرای قریش همگی از تو خواستگاری نمودند و تو امتناع ورزیدی و مخالفت نمودی، ولی با یتیم ابوطالب ﷺ ازدواج نمودی که یتیم است و بی توشه؟! ابن شهر آشوب معتقد است که وقتی حضرت با بانوی قریش ازدواج نمود، او دوشیزه بود ... رقیه و زینب دختران هاله و خواهرزاده‌های خدیجه ﷺ بودند. (نک: مناقب آل ابیطالب، ۱/ ۱۵۹)

منابع تاریخی صدراسلام اکثر روایات خود را از زبیریان نقل نموده‌اند. آنان به جهت تقابل با امویان و عناد با هاشمیان سعی در فضیلت سازی برای دوستان خود و تحقیر و تخریب شخصیت هاشمیان و منسوبان به آنان می‌نموده‌اند. در این راستا مظلومیت بسیاری بر ابوطالب، امیرالمومنین و خدیجه علیهم‌السلام رفته است.

نتیجه‌گیری

همان طوری که در قبل گذشت (بنا به دلایل اعلام شده) شأن والای بانوی قریش در معرض اتهامات بسیاری قرار گرفت، او که به خواستگاری سران قریش و امرای قوم پاسخ منفی می‌داد، با روایات و اسناد جعلی وی را دوبار به عقد دو تن از گمنامان تیمی و مخزومی درآوردند! تا بدین سبب وی را تحقیر نموده و از شأن والای او کاسته گردد!

نگرانی آنجا مضاعف می‌گردد که با افسانه‌ها و اسراییلیات وارد شده در زندگی بانوی قریش، بهانه‌ها برای خاورشناسان فراهم گردد تا به تخریب شخصیت پیامبر اکرم ﷺ پردازند. و وجود نازنین و معصوم آن بزرگوار از جهالت‌ها و غرض ورزیها مصون نماند. همان طوری که این بی‌مهریها از محدوده جغرافیایی عربستان و تاریخی صدراسلام خارج شده، روند آن تا بدانجا امتداد یافت که فضایل قیدشده در خصوص خدیجه ﷺ در منابع متقدم عامه در نسخ و چاپ‌های بعدی حذف شده و مشاهده نمی‌گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، بتحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۱.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، (۱۴۱۵ق)، أسد الغابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. ابن اسحاق، محمد، سیره ابن اسحاق، بتحقیق حمیدالله، محمد، موسسه مطالعات و تحقیقات.
۴. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل شهاب الدین، (۱۴۱۵ق)، الإصابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۴۱۲ق)، المناقب آل ابیطالب، بیروت، دارالأضواء.
۶. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، بتحقیق عمر بن عزامه، محب الدین ابوسعید، بیروت، دارالفکر.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ق)، البدايه و النهايه، بیروت، دارالفکر.
۸. ابن هشام حمیدی، ابومحمد عبدالملک، (۱۳۸۳ق)، السیره النبویه، مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده.
۹. امینی النجفی، عبدالحسین، (۱۳۸۷ق)، الغدير، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الثانية.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۹۴ق)، انساب الاشراف، بتحقیق محمودی، محمد باقر، بیروت، موسسه الأعلمی.
۱۱. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۲. تيجانی سماوی، سید محمد، (۱۳۷۱)، از آگاهان پیرسید (ترجمه کتاب فسألوا اهل الذکر) ترجمه مهري، سید محمد جواد، بنیاد معارف اسلامی.
۱۳. جوینی، ابراهیم بن محمد، (۱۳۹۸ق)، فرائد السمطين، بتحقیق محمودی، محمد باقر، بیروت، موسسه محمودی.
۱۴. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد، (۱۴۱۱ق)، المستدرک علی صحیحین، بتحقیق عبدالقادر عطا، مصطفی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۵. ذهبی، شمس الدین محمد، (۱۴۰۸ق)، تاریخ اسلام، تحقیق تدمیری، عمر عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ و نیز دار احیاء التراث العربی.
۱۶. سعد بن منیع، محمد، (۱۳۸۸ق)، طبقات الكبرى، بیروت، دار صادر.
۱۷. سید رضی، محمد بن الحسین، (۱۳۸۰)، نهج البلاغه، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، صائب.

۱۸. شرف الدین، سید عبدالحسین، (۱۳۸۰)، مناظرات (ترجمه المراجعات)، ترجمه نورمحمدخان، حیدرقلی، تهران، نشر سایه.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۶)، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ پنجم.
۲۰. طبرسی، فضل بن الحسن، (۱۴۲۵ق)، مجمع البیان، بیروت، موسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبری، محمدبن جریر، (۱۴۰۳ق)، تاریخ طبری، بیروت، موسسه الأعلمی.
۲۲. عسکری، سیدمرتضی، (۱۳۷۸)، نقش عایشه در احادیث اسلام، ترجمه کرمی، محمدجواد، دانشکده اصول دین.
۲۳. _____، (۱۳۷۷)، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ترجمه سردارنیا، عطا محمد و دیگران، مرکز نشر انتشاراتی منیر، چاپ پنجم.
۲۴. فروزانفر، بدیع‌الزمان، (۱۳۷۶)، احادیث و قصص مثنوی، تهران، امیرکبیر.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، الطبعة الثانية.
۲۶. مرتضی عاملی، سیدجعفر، (۱۴۰۲)، سیره صحیح پیامبر اعظم ﷺ، (ترجمه الصحیح من سیره النبى الأعظم ﷺ)، ترجمه تاج آبادی، حسین، نشر سفیر اردهال، چاپ دوم.
۲۷. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۲)، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۲۸. مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۷۵)، مثنوی معنوی، تصحیح الین نیکلسون، رینولد، انتشارات سنا.